

تا کنون غیر از اطلس جنگ ایران و عراق (زمستان ۱۳۷۹) که در بر دارنده‌ی فشرده‌ی نبردهای زمینی می‌باشد، اطلس‌های دیگری نیز چاپ شده است که عبارت‌اند از: اطلس راهنمای خوزستان در جنگ (بهار ۱۳۷۹)، خرمشهر در جنگ (۱۳۸۰)، ایلام در جنگ (۱۳۸۰)، دشت آزادگان در جنگ (۱۳۸۱)، کارنامه‌ی نبردهای زمینی در جنگ (۱۳۸۱)، آبادان در جنگ (۱۳۸۲) و کرمانشاه در جنگ (۱۳۸۴).

اطلس راهنمای ۸ که مربوط به شهرهای دزفول، شوش، اندیمشک در جنگ می‌باشد، در سال ۱۳۸۵ با تلاش و کوشش آقای ابوالقاسم حبیبی در شمارگان سه هزار نسخه، نظارت آقای محسن رخصت‌طلب، ویرایش و کنترل نهایی آقای مهدی انصاری و با اجرای مؤسسه‌ی مطالعات سیاسی و فرهنگی اندیشه‌ی ناب توسط مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ چاپ شده است.

در این اطلس پس از پیش‌گفتار و مقدمه، موضوعاتی چون جغرافیای دزفول، شوش و اندیمشک، ارتش عراق در تدارک جنگ، آغاز هجوم سراسری ارتش عراق، پیشروی تا کرخه، مقاومت و کسب آمادگی و آزادسازی غرب کرخه به صورت مختصر بیان شده‌اند.

در این کتاب که هشتمین جلد از مجموعه‌ی اطلس‌های راهنما است «به وقایع منطقه‌ی غرب رودخانه‌ی کرخه در جریان هجوم ارتش عراق و همچنین آثاری که اشغال این منطقه بر شرق رودخانه‌ی کرخه از جمله بر شهرهای دزفول، شوش، اندیمشک و دیگر نقاط استراتژیک این منطقه داشت و تلاش‌ها و عملیات‌هایی که برای آزادسازی این منطقه انجام گرفت، به خصوص عملیات بزرگ فتح‌المبین پرداخته شده است.» (ص. ۷)

«در پیش‌گفتار کتاب نیز از کلیه‌ی عزیزانی که مرکز مطالعات را در تهیه‌ی این اثر یاری کردند، از جمله سردار سرتیپ فتح‌الله جعفری، آقای محمدکاظم

در حین اجرای این پروژه «این اندیشه مطرح گردید که نمونه‌هایی ساده‌تر و قابل استفاده برای عموم، به ویژه بازدید کنندگان از جبهه‌های جنگ و سرزمین‌های شاهد دفاع و مقاومت، تهیه شود تا علاقه‌مندان با مرور آن ضمن آشنا شدن با محورهای تهاجم ارتش عراق و مناطق مقاومت نیروهای خودی، به گوشه‌یی از حماسه‌ها، از جان گذشتگی‌ها و ایستادگی‌های رزمندگان در موفقیت‌هایی بس دشوار پی ببرند. برای پاسخ به این نیاز، مجموعه‌ی "اطلس راهنما" طراحی شد که هر جلد از این مجموعه یکی از مناطق اصلی تهاجم ارتش عراق و مقابله با آن را در بر می‌گیرد.» (خرمشهر در جنگ، ص. ۷)

«این مجموعه که نمونه‌یی قابل استفاده برای عموم است، در قالبی جذاب، شامل اطلاعات متنوع، نقشه، تصویر و نمودار منتشر می‌شود تا علاقه‌مندان با مرور آن، ضمن آشنایی با یکی از محورهای تجاوز ارتش عراق و مناطق مقاومت نیروهای خودی تا عقب راندن متجاوزان از میهن اسلامی به گوشه‌یی از وقایع این نبرد عظیم پی ببرند.»

(دشت آزادگان، ص. ۷)

«در مجموعه‌ی اطلس راهنما برای هر یک از استان‌های هم‌مرز با عراق و همچنین برخی از مناطق به دلیل ویژگی‌هایی که در طول دوران مقاومت و دفاع داشته‌اند، یک کتاب طراحی شده است.» (کارنامه‌ی نبردهای زمینی، ص. ۸)

این مرکز همچنین تأکید می‌کند که «سعی وافر شده و می‌شود که آمارها و اطلاعات مندرج در این کتاب‌ها و دیگر آثار مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ هر چه نزدیک‌تر به واقع و دقیق و مستند باشد.» (همان)

این اطلس با وجود ویژگی‌های مثبت و جذابیت‌های بصری، نقشه‌ها و نمودارهای متعدد و زیبا اشکالاتی داشت که سبب شد در دو حوزه‌ی محتوایی و شکلی و صوری نقد شود

مطلبی نوشته نشده است؛ در حالی که در صفحه‌ی ۸، ستون سمت راست، سطرهای ۱۳ و ۱۴ آمده است: «در چهارمین روز جنگ، عین‌خوش اشغال شد.»

۱،۲. در صفحه‌ی ۴۳ آمده است: «لشکر ۱ عراق نیز در محور برق‌زده به مواضع ... حمله‌ور شد لیکن موفق نشد در مواضع مدافعان رخنه کند.» در حالی که در صفحه‌ی ۸، ستون سمت راست، پاراگراف آخر آمده است: «لشکر ۱ نیز ... در چهارمین روز جنگ با در هم شکستن مقاومت مدافعان تا نزدیکی چنانچه و دوسلک پیش آمد.» کدام یک از مطالب نوشته شده صحیح می‌باشند؟ تناقض در مطالب کتاب سبب خدشه‌دار شدن اعتبار آن می‌شود.

۱،۳. در صفحه‌ی ۶۵، پاراگراف آخر آمده است: «در روز ۹ مهر ۱۳۵۹ یک هواپیمای عراقی در حمله به پادگان دوکوهه ... بر اثر آتش سلاح‌های ضد هوایی روی زاغه مهمات این پادگان سقوط کرد که به انفجارهای پی در پی مهمات این زاغه منجر شد.» در حالی که در جدول صفحه‌ی ۴۴، در ۹ مهر آمده است: «یک هواپیمای عراقی که به پادگان

دوکوهه هجوم آورده بود، هدف آتش ضد هوایی قرار گرفت و روی انبار مهمات سقوط کرد، در نتیجه انبار مذکور به آتش کشیده شد و با سرایت آتش از این پادگان به قطار حامل مواد سوختی، انفجارهای شدیدی رخ داد.»

کدام یک از خبرهای ذکر شده صحیح هستند؟ روی انبار مهمات سقوط کرده یا روی زاغی مهمات؟ مهمات این زاغه، پی در پی منفجر شد یا قطار حامل مواد سوختی نیز منفجر شد؟ و...

۱،۴. در جدول اهمّ عملیات‌های ایذایی رزمندگان ایران در صفحه‌ی ۶۹، در تاریخ ۹ آبان

رسولیان و خانم رباب صادقی قدردانی شده است. همچنین از برادر فاضل و گرانقدر سردار سرلشکر غلامعلی رشید و نیز سردار احمد سوداگر و سردار محمدعلی صبور که با مطالعه‌ی کتاب حاضر و با قبول تأمل کارشناسانه، ضمن افزودن نکاتی مفید و ضروری و بیان کاستی‌ها موجب غنای آن شدند، سپاس‌گزاری شده است.» (همان)

الحمدلله دقت و تأمل کارشناسانه و ارزیابی‌های متعدد عزیزانی که نام آن‌ها در شناسنامه و مقدمه‌ی کتاب آمده است و تجربه‌های فراوان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در چاپ هفت جلد قبلی اطلس‌های راهنما سبب شد کتابی با رنگ‌آمیزی و طراحی جذاب و زیبا، شامل جدول‌ها، نمودارها و نقشه‌های فراوان، اطلاعات دقیق و روزانه در مورد وقایع قبل از جنگ و دوران جنگ در سه شهر مذکور و ... چاپ شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد. جا دارد به همه‌ی دست‌اندرکاران و مسئولان تهیه‌ی این اطلس راهنما تبریک و تهنیت گفت و از زحمات و تلاش‌های آن‌ها قدردانی کرد.

با مطالعه‌ی دقیق این کتاب متوجه شدم با همه‌ی دقت و تلاشی که انجام شده، متأسفانه اشکال‌های متعددی در آن وجود دارد که پذیرفتنی نیست. آنچه خدمت عزیزان و مسئولان عرضه می‌شود، نقد برخی اشکالات موجود است که در قالب "نقد محتوایی" و "نقد شکلی و صوری" تقدیم می‌شود.

الف) نقد محتوایی

۱. تناقض‌های موجود در کتاب: یکی از اشکال‌های مهم این کتاب عبارات و اطلاعات متناقض موجود در آن است که خواننده را در درک درست مفهوم دچار ابهام می‌کند. برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱،۱. در صفحه‌ی ۴۳، ستون سمت راست، سطرهای ۱ و ۲ آمده است: «لشکر ۱۰ عراق، حمله به عین‌خوش را آغاز کرد.» ولی در مورد نتیجه‌ی آن

۲. اشکال‌های موجود در نقشه‌ها، جدول‌ها و نمودارهای کتاب: یکی از ویژگی‌های مهم این کتاب، نقشه‌ها، جدول‌ها و نمودارهای متعدد موجود در آن است که سبب زیبایی و ظرافت بیش‌تر آن شده است. در بررسی دقیق این موارد، به اشکالاتی بر خوردیم که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۲,۱. در راهنمای نقشه‌ی صفحه‌ی ۶ کتاب، هر یک از ارتفاعات (۵۰۰ متر، ۴۰۰ متر، ۳۰۰ متر، ۲۰۰ متر، ۱۰۰ متر و ۰ متر) با رنگ‌های متفاوتی مشخص شده‌اند و بدیهی است در همه‌ی نقشه‌های کتاب باید این میزان و معیار در نظر گرفته و رعایت شود، اما رنگ‌های نقشه‌های متعدد موجود در کتاب، با رنگ‌های معیار ذکر شده در راهنمای نقشه تطابق چندانی ندارند.

این رنگ‌ها در علم جغرافیا و در تخصص نقشه‌خوانی، معیار و مبنا هستند و همان‌گونه که نوشتن اعداد در میان فارسی زبان‌ها به یک شیوه است و رتبه و جایگاه هر یک آن‌ها نیز مفهوم خاصی دارد، رنگ‌ها نیز چنین هستند و نمی‌توان به هر دلیلی، آن‌ها را تغییر داد، چرا که رنگ جدید حکایت از ارتفاعی با مترژی دیگر خواهد داشت، نه ارتفاعی با بلندی مورد نظر ما.

۲,۲. در راهنمای نقشه‌ی صفحه‌ی ۶ کتاب، برای منطقه‌ی اشغال‌شده‌ی قبلی، منطقه‌ی اشغال‌شده‌ی جدید و منطقه‌ی آزاد شده سه رنگ متفاوت ذکر شده است و قاعدتاً در همه‌ی نقشه‌ها باید از این رنگ‌ها به عنوان میزان و معیار استفاده کرد، اما در نقشه‌ی صفحه‌ی ۶۷ منطقه‌ی شکلاتی پورنگ، صفحه‌ی ۵۸ منطقه‌ی قهوه‌ی، صفحه‌ی ۵۶ منطقه‌ی قهوه‌ی، در صفحه‌ی ۵۵ منطقه‌ی قهوه‌ی، صفحه‌ی ۴۸ منطقه‌ی قهوه‌ی و شکلاتی، صفحه‌ی ۴۱ منطقه‌ی قهوه‌ی و شکلاتی و نیز در نقشه‌های دیگر کتاب رنگ‌های معیار ذکر شده در راهنمای نقشه به کار نرفته و حتی در صفحه‌های ۴۱، ۵۶، ۵۸

آمده است: «... با اجرای آتش شدید، یک آتشبار موشکی دشمن را منهدم کرد.» ۱. اجرای آتش توپ‌خانه در زمهری عملیات‌های ایذایی قرار ندارد. ۲. آتشبار موشکی دشمن یعنی چه؟ شاید منظور آتشبار توپ‌خانه‌ی عراق باشد. تصدیق می‌فرمایید که میان آتشبار توپ‌خانه و آتشبار موشکی دشمن تفاوت‌های بسیاری وجود دارد.

۱,۵. در صفحه‌ی ۸۹، ستون سمت چپ، سطرهای ۴ تا ۷ آمده است: «... لیکن متجاوزان به جز این‌که به دو گردان خودی آسیب رساندند، نتوانستند از این حرکت بهره‌ی لازم را ببرند و صرفاً در نزدیکی خطوط نیروهای ایران مستقر شدند.» در حالی که در نمودار سمت چپ صفحه‌ی ۸۹ تعداد کشته‌ها و زخمی‌های دشمن در این عملیات ۲۰۰۰ نفر و تعداد اسرای آن‌ها ۱۲۰ نفر ذکر شده است.

کدام خبر صحیح است؟ متن نوشته شده یا نمودار ارائه شده؟

۱,۶. در جدول صفحه‌ی ۱۱۱ آمده است: «حدود ۱۶ تپ دشمن به صورت صد در صد منهدم شده‌اند.» که به این ترتیب باید حدود بیش از ۸۰ هزار نفر از نیروهای دشمن در این عملیات، کشته، زخمی یا اسیر شده باشند، در حالی که طبق نمودار صفحه‌ی ۱۱۰، از نیروهای دشمن ۱۷۰۰۰ نفر اسیر و ۲۵۰۰۰ کشته یا زخمی شده‌اند که در مجموع ۴۲۰۰۰ نفر می‌شود.

کدام یک از آمارها صحیح است؟

۱,۷. در جدول اهمّ عملیات‌های انجام شده در غرب کرخه در صفحه‌ی ۱۱۳ عملیات تپه‌های کوت کاپون در ۳ تیر ۱۳۶۰ در صالح مشطط از جمله عملیات‌های مهم ایذایی به شمار رفته، در حالی که در عملیات‌های ذکر شده در متن اصلی کتاب (از صفحه‌ی ۶۰ تا پایان کتاب) هیچ اشاره‌ی به آن نشده است. کدام یک از مطالب ذکر شده صحیح هستند؟

همچنین در جدول راهنمای نقشه‌ی صفحه‌ی ۸، جلوی این نوع فلش نوشته شده است: محور هجوم عراق. در جدول راهنمای نقشه‌ی صفحه‌ی ۶ نیز رنگ این فلش، قرمز می‌باشد، در حالی که در صفحه‌ی ۳۷ از رنگ قهوه‌یی استفاده شده است.

۲،۸. در صفحه‌ی ۶۳ در نمودار بسیار جالبی آمار شهیدان و مجروحان دزفول از آغاز جنگ تا ۱۲ دی ۱۳۵۹ آورده شده است که جای تشکر و قدردانی دارد؛ اما سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که چرا تا ۱۲ دی ۱۳۵۹ آمارگیری شده است؟ این روز چه اهمیتی داشته؟ چرا این آمار تا پایان جنگ ادامه نیافته؟ چرا آمار شهیدان و مجروحان شهرهای اندیمشک و شوش نیامده است؟

۲،۹. روی نقشه‌های این کتاب، آخرین خط دفاعی ایران و عراق که در اصطلاح نظامی به آن "خط لجمن" می‌گویند، کشیده نشده‌اند و مشخص نیست مواضع دفاعی دو طرف روی کدام ارتفاعات قرار دارد. بهتر بود روی نقشه‌ی صفحه‌ی ۷۱ که "گسترش منطقه‌ی اشغالی تا اسفند ۱۳۵۹" می‌باشد، خط لجمن کشیده می‌شد.

۲،۱۰. عملیات‌هایی که در صفحات ۶۷ تا ۸۵ به آن‌ها اشاره شده است، مشخص نیستند کجا بررسی شده‌اند و چه کسی آن‌ها را تصویب و ابلاغ کرده است؟ همچنین هیچ اشاره‌یی به ستاد عملیات جنوب (ارتش و سپاه)، قرارگاه مقدم نزا، ستاد منطقه‌ی ۸ سپاه و ... نشده است. اگر این ستادها در این عملیات‌ها، مسئولیتی بر عهده نداشته‌اند، حداقل می‌بایست معلوم می‌شد که این عملیات‌ها چگونه تصویب می‌شدند و چه ستادی هماهنگی‌های مربوط

و ... رنگ‌های دیگری به عنوان معیار در توضیحات نقشه‌ها آمده‌اند. بدیهی است که در همه‌ی نقشه‌های کتاب، رنگ‌های معیار که در قسمت راهنمای نقشه در صفحه‌ی ۶ آمده است، باید به کار رود.

۲،۳. در نقشه‌ی صفحه‌های ۸۱ و ۷۹، ۷۸، ۷۳ منطقه‌یی به نام "منطقه‌ی درگیری" با رنگ خاکستری مشخص شده که در راهنمای نقشه‌ی صفحه‌ی ۶ هیچ اشاره‌یی به آن نشده است. قاعدتاً این منطقه باید در "راهنمای نقشه‌ی" کتاب مشخص می‌شد.

۲،۴. در جدول تقسیمات کشوری شهرستان دزفول در صفحه ۱۳ دهستان‌های "دره کاید" و "شهبون" متعلق به شهر "میان‌رود" ذکر شده است، در حالی که در نقشه‌ی همین صفحه، "دهستان دره کاید" در مجاورت شهرهای لرستان و مسجد سلیمان و "دهستان شهبون" در مجاورت شهرهای دزفول و اندیمشک قرار گرفته است. میان این دو دهستان، فاصله‌ی بسیاری وجود دارد، چگونه می‌توان آن‌ها را جزو یک شهر قرار داد؟!

۲،۵. در جدول تقسیمات کشوری شهرستان دزفول در صفحه‌ی ۱۳، دهستان "خیبر" یکی از دهستان‌های شهر "سردشت" به شمار رفته، در حالی که در نقشه‌ی این صفحه هیچ اشاره‌یی به آن نشده است.

۲،۶. اگر بپذیریم که شهرستان شوش یک شهرستان مستقل است، همان‌گونه که در جدول تقسیمات کشوری این شهرستان در صفحه‌ی ۱۵ آمده است، دهستان "مسلم بن عقیل" یکی از دهستان‌های شهر "الوان" به شمار رفته، در حالی که در نقشه‌ی این صفحه چنین دهستانی مشخص نشده است.

۲،۷. در راهنمای نقشه‌ی صفحه‌ی ۳۷ در جلوی فلش قهوه‌یی رنگ نوشته شده است: "طرح مانور"، در حالی که این فلش برای نمایش محور هجوم است نه طرح مانور.

تبیین حماسه‌های عظیم و ارزشمندی که مردم و رزمندگان اسلام آفریدند، یکی از ضرورت‌هایی است که این مرکز «تلاش نمود با بهره‌گیری از اسناد، مدارک و منابع بی‌نظیری که راویان و محققان این مرکز در طول جنگ هشت ساله جمع‌آوری کرده‌اند، ابعاد مختلف دفاع مقدس را ترسیم نماید

به آن‌ها را بر عهده داشته است؟

۲,۱۱. در صفحه‌ی ۹۲ در نقشه‌ی گسترش دشمن قبل از عملیات فتح‌المبین از یگان‌هایی نام برده شده که در جدول استعداد ارتش عراق در صفحه‌ی ۸۹ ذکر شده، از آن‌ها به میان نیامده است، مانند تیپ ۱۴ مکانیزه، تیپ ۲۴ زرهی، تیپ ۲۷ زرهی و تیپ ۱ زرهی. همچنین در این صفحه مشخصات کامل تیپ پیاده‌ی مستقر در تپه‌های دوسلک و برقازه بیان نشده است.

در صفحه‌ی ۹۱ نیز اسامی ۳۵ تیپ آورده شده، اما در نقشه‌ی صفحه‌ی ۹۲ فقط محل ۱۷ تیپ (از ۳۵ تیپ) مشخص شده است.

۲,۱۲. در جدول سازمان رزم عملیات فتح‌المبین در صفحه‌ی ۹۵، استعداد یگان‌های ارتش قرارگاه فتح ذکر نشده‌اند. بهتر بود مانند دیگر قرارگاه‌ها، استعداد این یگان‌ها نیز مشخص می‌شد.

۲,۱۳. در نمودار قوای ایران و عراق در عملیات فتح‌المبین در صفحه‌ی ۹۶، چرا جلو استعداد مکانیزه‌ی ایران علامت سؤال آمده است؟ بعید می‌دانم فهمیدن استعداد مکانیزه‌ی نیروهای ایران در این عملیات دشوار باشد.

۲,۱۴. در جدول صفحه‌ی ۱۱۱ از یگان‌های تیپ ۲۵ مکانیزه‌ی لشکر ۶، تیپ ۶۰ زرهی، تیپ ۴۲۶ پیاده و تیپ ۶ زرهی لشکر ۳ - که در صفحه‌ی ۹۱ جزو استعداد ارتش عراق در عملیات فتح‌المبین قرار گرفته بودند، هیچ ذکر به میان نیامده است.

۲,۱۵. ضمن تشکر و قدردانی از نمودار صفحه‌ی ۱۱۲ که در مورد شهیدان و مجروحان دزفول است. چرا چنین نموداری برای شهیدان و مجروحان شهرهای اندیمشک و شوش ترسیم نشده است؟ در ضمن آیا ممکن است تعداد مجروحان این شهر از تعداد شهیدان آن حدود هزار نفر کم‌تر باشد؟!

۲,۱۶. در نمودار صفحه‌ی ۶۳ تعداد مجروحان دزفول از آغاز جنگ تا ۱۲ دی ۱۳۵۹ تعداد ۲۷۹۲ نفر ذکر شده، در حالی که تعداد مجروحان این شهر

از آغاز جنگ تا پایان جنگ در نمودار صفحه‌ی ۱۱۲ حدود ۳۰۰۰ نفر ذکر شده است. آیا واقعاً از ۱۳ دی ۱۳۵۹ تا ۲۶ مرداد ۱۳۶۷ تنها حدود ۲۰۸ نفر از مردم شهر دزفول مجروح شده‌اند؟!

۳. نکته‌های عمومی: پس از ارزیابی مطالب کتاب اشکال‌های نوشتاری و محتوایی متعددی مشاهده شد که به آن‌ها اشاره می‌شود.

۳,۱. روی جلد و در موارد متعددی در کتاب، از عنوان "دزفول، شوش، اندیمشک در جنگ" استفاده شده است، در حالی که در کل کتاب، وضعیت این سه شهر تا فروردین ۱۳۶۱ بررسی شده و هیچ اشاره‌ی به حوادث دیگر این مناطق تا سال ۱۳۶۷ (سال پایان جنگ) نشده است.

گفتنی است در جلد ۱ اطلس راهنما با عنوان "خوزستان در جنگ"، در صفحات ۲۱-۱۲ علاوه بر عملیات‌های ذکر شده در اطلس راهنمای ۸، از عملیات‌های محرم، والفجر مقدماتی و والفجر ۱ نیز به عنوان عملیات‌های انجام شده در محور شوش - دزفول نام برده شده است.

۳,۲. در سطر آخر صفحه‌ی ۷ آمده است: «... با قبول تأمل کارشناسانه...» این عبارت معنای دقیق و صحیحی ندارد. اقدام عزیزانی که کتاب را مطالعه کرده و با افزودن نکاتی مفید و ضروری و نیز با بیان کاستی‌ها موجب غنای آن شده‌اند را نمی‌توان "تأمل" نامید و باید عنوان "بررسی کارشناسی و دقیق" را به کار برد.

۳,۳. در صفحه‌ی ۸، ستون سمت راست، سطرهای ۱۲ و ۱۳ در خصوص روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آمده است: «... یک گردان نیروی سپاهی...» در حالی که همه می‌دانند و عزیزان نویسنده و کنترل‌کننده بهتر می‌دانند که در روزهای آغاز جنگ، سپاه هیچ‌گونه تشکیلات و ساختار نظامی و گردان در پاسگاه‌های مرزی نداشت و استفاده از عبارت "یک گردان نیروی سپاهی" حکایت از سازمان‌دهی نظامی تعریف شده در سپاه دارد. بهتر بود از همان عبارتی که در صفحه‌ی ۳۹، ستون سمت راست،

ساخته شدن مجدد شهر شوش و وقایعی که در مدت ۹۲۸ سال بعد از آن اتفاق افتاده، در پاراگراف بعدی آمده است: «در سال ۱۷ هجری قمری این شهر به تصرف مسلمین درآمد.»

بهتر بود با توضیحی در حد یک جمله، این دو پاراگراف به یکدیگر مرتبط می‌شد. جملات متن این گونه القا می‌کند که در مدت ۹۲۸ سال، این شهر به صورت ویرانه بوده و در همان حالت ویرانی به تصرف مسلمین درآمد است.

۳،۷. در صفحه‌ی ۱۷، ستون سمت راست، سطر ۱۰ آمده است: «در قرن چهاردهم هجری با

تفحص باستان‌شناسان ...» معلوم نیست به چه دلیلی از تاریخ هجری قمری استفاده شده است. بهتر بود تاریخ به صورت هجری شمسی بیان می‌شد. در صفحه‌ی ۱۸، ستون سمت چپ، سطر ۲ نیز تاریخ ساخت گنبد حضرت دانیال^(ع) به صورت هجری قمری و میلادی آمده است که زینده بود تاریخ هجری شمسی آن نیز ذکر می‌شد.

۳،۸. در صفحه‌ی ۳۹

به حضور تیپ ۳۷ زرهی شیراز در پاسگاه فکه و تیپ ۲ زرهی دزفول و گردان ۲۸۳ سوار زرهی در عین‌خوش اشاره شده است و از متن چنین برمی‌آید که این تیپ‌ها با همه‌ی توان و استعداد خود در این مناطق حضور داشته‌اند. بهتر بود در مورد استعداد آن‌ها و توان و کیفیت رزمی آن‌ها توضیح مختصری داده می‌شد.

۳،۹. در صفحه‌ی ۶۲، سطرهای ۲۲ تا ۲۴ آمده است: «زیرزمین‌های قدیمی بازسازی و مرمت شده بود و با ایجاد راه‌روهای زیرزمینی اکثر خیابان‌های

سطرهای ۳ و ۴ به کار رفته: «... گروهی از نیروهای سپاه پاسداران دزفول ...» در صفحه‌ی ۸ نیز استفاده می‌شد. همچنین در صفحه‌ی ۸ به حضور تیپ‌های ۲ و ۳۷ زرهی شیراز اشاره شده است. بهتر بود در مورد استعداد نیرو و تجهیزات و کیفیت رزمی آن‌ها نیز توضیح مختصری داده می‌شد تا خوانندگان فکر نکنند که این تیپ‌ها با تجهیزات و استعداد کامل در منطقه حضور داشتند.

۳،۴. در صفحه‌ی ۱۵، ستون سمت راست، سطرهای ۲ و ۳ آمده است: «شوش که قبلاً یکی از بخش‌های تابعه‌ی شهرستان دزفول بود، از مرداد ۱۳۶۸ به شهرستانی مستقل تبدیل شد.» براساس عنوان کتاب قرار است وضعیت این سه شهر از آغاز جنگ تا سال ۱۳۶۷ بررسی شود، در نتیجه بهتر بود که تقسیمات کشوری تا سال ۱۳۶۷ مورد بررسی قرار می‌گرفت و شهر شوش به عنوان یک شهرستان مستقل ذکر نمی‌شد.

۳،۵. در صفحه‌ی ۱۵ به جمعیت شهرستان شوش در سال ۱۳۷۵ اشاره شده است، در حالی که قرار بود وضعیت این شهر تا مرداد ۱۳۶۷ بررسی شود. این اشکال در مورد جمعیت شهرستان دزفول (صفحه‌ی ۱۳)، جمعیت شهر دزفول (صفحه‌ی ۱۴)، جمعیت شهر شوش (صفحه‌ی ۱۶)، جمعیت شهرستان اندیمشک (صفحه‌ی ۱۹) و جمعیت شهر اندیمشک (صفحه‌ی ۲۰) نیز وجود داشت.

۳،۶. در صفحه‌ی ۱۷، ستون سمت راست، سطرهای ۲ تا ۵ آمده است: «هنگام انقراض سلسله هخامنشی به دست اسکندر مقدونی (۳۳۲ قبل از میلاد) شهر شوش نیز بار دیگر به کلی غارت و ویران گردید.»* و بدون توضیح در مورد نحوه‌ی

* از لحاظ دستوری، فعل گردیدن در مواردی به کار می‌رود که فعل از گذشته شروع شده باشد و در زمان حال به پایان برسد مانند: «سبب قرمز گردیدن» در این‌جا که اقدامی سریع و یکباره انجام شده است، می‌بایست از فعل «شد» استفاده می‌شد.

در مقدمه کتاب آمده است:

این مجموعه که نمونه‌ی قابل استفاده برای عموم است، در قالبی جذاب، شامل اطلاعات متنوع، نقشه، تصویر و نمودار منتشر می‌شود تا علاقه‌مندان با مرور آن، ضمن آشنایی با یکی از محورهای تجاوز ارتش عراق و مناطق مقاومت نیروهای خودی تا عقب راندن متجاوزان از میهن اسلامی به گوشه‌ی بی‌بی از وقایع این نبرد عظیم پی ببرند

اصلی شهر به یکدیگر وصل شده بودند.» آیا واقعاً در دوران جنگ چنین امکانی در زیرزمین‌های اکثر خیابان‌های اصلی شهر دزفول فراهم شده بود؟! چرا حتی یک عکس از این اقدام در کتاب قرار نگرفته و خاطراتی از نحوه‌ی ساخت و استفاده‌ی احتمالی آن‌ها بیان نشده است؟ مگر جنگ به خیابان‌های دزفول کشیده شد که لازم شود چنین اقدامات چریکی انجام گیرد؟ و...

۳,۱۰. در مطالب مربوط به صفحه‌های ۶۷ تا ۷۰ -که درباره‌ی آغاز تلاش برای بیرون راندن دشمن می‌باشد- هیچ اشاره‌ی به نحوه‌ی فرماندهی و طراحی عملیات‌های ایذایی نشده است و معلوم نمی‌شود که این عملیات‌ها چگونه انجام شده‌اند؟ حتی کوچک‌ترین اشاره‌ی به اجرای عملیات‌های ایذایی نیز نشده است و اهم این عملیات‌ها در جداول صفحه‌های ۶۹ و ۷۰ آمده‌اند.

۴. کاستی‌های موجود در متن:
با همه‌ی سعی و تلاش فراوانی که انجام گرفت تا کتاب کم‌ترین ایرادها را داشته باشد، اما باز هم نقایصی در آن به چشم می‌خورد که به آن‌ها اشاره می‌شود.

۴,۱. در مطالب مربوط به صفحه‌های ۱۲ تا ۲۰ که در مورد جغرافیای شهرستان‌های دزفول، شوش و اندیمشک است، هیچ صحبتی از اهمیت نظامی این شهرها، بافت فرهنگی، مذهبی، قبیله‌ی و عشایری آن‌ها و... به میان نیامده، در حالی که مناسب بود توضیحات مختصری در این مورد داده می‌شد.

همچنین به پایگاه هوایی وحدتی دزفول، پادگان دوکوهه، رود دز، سد دز، مرکز رادار، سایت‌های ۴ و ۵ و ... حتی به صورت مختصر اشاره‌ی نشده است.

۴,۲. توضیحات ذکر شده در مورد رودخانه‌ی کرخه و پل (جسر) نادری در صفحه‌ی ۲۱ بسیار

کلی و عمومی هستند و هیچ اشاره‌ی به اهمیت نظامی و به قول نویسنده‌ی محترم، "استراتژیک آن‌ها" (صفحه‌ی ۷، سطر ۱۴) نشده است.

۴,۳. در صفحه‌ی ۷۷ انتهای جدول، سمت راست، آمده است: «از حملات به شوش گزارشی در دست نیست.» و در انتهای جدول، سمت چپ آمده: «از حملات به اندیمشک و شوش در تابستان ۱۳۶۰ گزارشی موجود نیست.» همچنین در انتهای جدول صفحه‌ی ۸۰ آمده است: «از حملات به شوش در زمستان ۱۳۶۰ گزارشی موجود نیست.»

واقعاً بسیار عجیب است که مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه چنین جملاتی را در سال ۱۳۸۵ بیان کند! مگر اطلاعات مربوط به حمله‌های دشمن به دزفول و اندیمشک در تابستان و پاییز سال ۱۳۶۰ چگونه استخراج شده‌اند؟ مگر غیر از این است که با مراجعه به روزنامه‌های آن زمان و خبرهای خبرگزاری جمهوری اسلامی یا گزارش فرمانداری‌های آن شهرها، این اطلاعات به دست آمده است؟ چگونه امکان نداشته همین کار در مورد شهر شوش و اندیمشک در تابستان ۱۳۶۰ انجام شود؟

۴,۴. در نمودار صفحه‌ی ۱۱۰ آمده است ۱۷ هزار عراقی در عملیات فتح‌المبین اسیر شده‌اند در حالی که در مطالب صفحه‌های ۸۸ تا ۱۱۰ به این اقدام مهم و نحوه‌ی اسارت عراقی‌ها هیچ اشاره‌ی نشده است.

۴,۵. در صفحه‌ی ۷، پاراگراف آخر ذکر شده که در تهیه‌ی این کتاب از بانک نقشه و کالک مرکز مطالعات استفاده شده است، ولی در منابع صفحه‌ی ۱۱۴ به این موضوع هیچ اشاره‌ی نشده است.

۴,۶. صفحه‌ی ۱۱۴، منبع شماره ۱۳ گزارشی درباره‌ی ترتیب نیروی ارتش عراق در سال ۱۳۶۷ به چشم می‌خورد؛ این در حالی است که در سرتاسر کتاب، فقط به عملیات‌هایی که از آغاز جنگ تا فروردین ۱۳۶۱ انجام گرفته‌اند، اشاره شده است.

۴,۷. در این کتاب از نقش جهاد سازندگی حرفی به میان نیامده است. با توجه به نقش مؤثر این نهاد در

روی جلد و در موارد متعددی در کتاب، از عنوان "دزفول، شوش، اندیمشک در جنگ" استفاده شده است، در حالی که در کل کتاب، وضعیت این سه شهر تا فروردین ۱۳۶۱ بررسی شده و هیچ اشاره‌ی به حوادث دیگر این مناطق تا سال ۱۳۶۷ (سال پایان جنگ) نشده است

- نیمه‌ی اول سال ۱۳۵۹" در سطرهای ۳ و ۷ چنین آمده است:

۱۶ اردیبهشت، خنثی شدن بمب در راه‌آهن اندیمشک - اهواز.

۱۴ خرداد، خنثی شدن بمب در بازار اندیمشک. در این بند نیز مانند بند قبلی چنین مواردی باید در جدولی با عنوان "اقدامات سپاه پاسداران" آورده می‌شد، نه "فعالیت‌های ضد انقلاب".

۵,۴. عکس صفحه‌ی ۴۲ به احتمال قریب به یقین مربوط به تانک‌های خودی است و بسیار ناپسند است از عکسی استفاده کنیم که در آن تانک‌های ایرانی با سرنشینان بسیجی در سومین روز جنگ هجوم خود را به سمت مرزهای کشور ایران آغاز کرده‌اند! مگر عکس تانک‌های مهاجم عراقی کم داریم که مجبور شده‌اید از عکس تانک‌های دارای سرنشین ایرانی استفاده کنید؟ در انتخاب عکس‌ها می‌بایست دقت بیش‌تری می‌شد.

۵,۵. در صفحه‌ی ۴۵، پاراگراف آخر آمده است: «در محور برقازه، لشکر ۱ ارتش عراق [...] کوشید [...] خود را به تپه‌ی ابوصلیبی خات [...] برساند، لیکن مدافعان خودی از دست‌یابی دشمن به مواضع برقازه جلوگیری کردند.»

اما در صفحه‌ی ۸، پاراگراف آخر، ستون سمت راست و پاراگراف اول، ستون سمت چپ آمده است: «لشکر ۱ عراق در چهارمین روز جنگ [...] به طرف ارتفاعات "ابوصلیبی خات" ادامه‌ی مسیر داد.» معلوم نیست کدام یک از مطالب ذکر شده صحیح هستند؟

۵,۶. چرا "حمله‌ی نیروهای پیاده و زرهی دشمن به عنکوش" در ۳۰ فروردین و حمله‌ی دشمن در ۱۳ مرداد "برای اشغال مجدد ارتفاعات غرب پل نادری" و "نفوذ گروه ۲۰ نفری دشمن به مواضع خودی در محور شوش" در ۱۵ دی، در جدول صفحه‌ی ۸۵ که مربوط به اهمّ عملیات‌های ایذایی رزمندگان ایران می‌باشد، آمده‌اند؟! خوب بود در این مورد می‌بایست بیش‌تر دقت می‌شد.

جنگ و به خصوص در عملیات فتح‌المبین، مناسب بود توضیح هر چند مختصری در مورد آن داده می‌شد. ۵. اشتباهات مهم: متأسفانه تعدادی اشتباه برجسته در کتاب به وجود دارد که ضروری است حتماً در چاپ دوم اصلاح شوند. این موارد عبارت‌اند از:

۵,۱. در صفحه‌ی ۲۴، ستون سمت چپ، سطرهای ۱ تا ۳ آمده است: «حکومت عراق سلاح و مهمات به نوار مرزی می‌رساند و سپس با هم‌کاری برخی عناصر ضد انقلاب منطقه‌ی آنها را به داخل خوزستان منتقل می‌کرد.» و در ادامه‌ی این جمله، بدون هیچ مقدمه‌ی بی در سطرهای ۴ تا ۶ آمده است: «اگرچه تعدادی از اسلحه‌های دریافتی به سپاه پاسداران دزفول تحویل داده می‌شد، لیکن بسیاری از سلاح‌ها و مهمات بین عناصر ضدانقلاب و وابسته توزیع می‌گردید.» آیا معنی سطرهای ۱ تا ۶ این صفحه این می‌باشد که حکومت عراق از طریق ضد انقلاب، تعدادی از اسلحه‌های دریافتی را به سپاه پاسداران دزفول تحویل می‌داد؟!!

۵,۲. در جدول صفحه‌ی ۲۵ با عنوان "اهمّ اقدامات ضد انقلاب در دزفول، شوش و اندیمشک - سال ۱۳۵۸" در سطرهای ۱ تا ۴ چنین آمده است: ۱۳۵۸/۱/۳۱، کشف سلاح و مهمات قاچاق در اندیمشک.

۱۳۵۸/۲/۳، کشف سلاح و مهمات قاچاق در اندیمشک.

۱۳۵۸/۲/۲۴، کشف ۳۰۰ قبضه سلاح قاچاق در شوش.

آیا کشف سلاح‌ها و مهمات قاچاق در اندیمشک و شوش با تلاش ضد انقلاب انجام شده است یا این‌که این اقدامات باید در جدولی با عنوان "اقدامات و فعالیت‌های سپاه پاسداران در شوش، اندیمشک و دزفول" مطرح می‌شدند؟

۵,۳. در جدول صفحه‌ی ۲۶ با عنوان "اهمّ اقدامات ضد انقلاب در دزفول، شوش و اندیمشک

۶,۲. در صفحه‌ی ۳۹ که مربوط به تشریح هجوم لشکر ۱ مکانیزه و لشکر ۱۰ زرهی عراق در محورهای فکه و شرفانی می‌باشد، عکس بمباران یا موشک‌باران شهر دزفول به تصویر کشیده شده است که از لحاظ تاریخی قطعاً صحیح نیست. ارتش عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، شهر دزفول را این‌طور بمباران نکرده و بهتر است از این عکس در حوادث آینده استفاده شود. آیا عکس صفحه‌ی ۴۰ نیز مربوط به روز دوم جنگ در دزفول است؟

۶,۳. در صفحه‌ی ۴۴ که مربوط به حوادث آغاز جنگ از ۳۱ شهریور تا ۱۰ مهر ۱۳۵۹ است، چرا از عکس‌های پادگان دوکوهه و پایگاه چهارم وحدتی دزفول که مربوط به سال‌های بعد از جنگ است، استفاده شده است؟

۶,۴. در صفحه‌ی ۹۴ اطلس، صفحه‌ی ۲۰۸، جلد ۲ موسوعه الحرب العراقیه الایرانیه را بدون آن‌که ترجمه شود، آورده شده است. مشخص نیست این سند، به چه دلیل آمده و معنای آن چیست؟ همچنین این سند مربوط به ۲۸ آذر ۱۳۵۹ می‌باشد، چرا در حوادث هفتمین روز جنگ آورده شده است؟

۶,۵. عکس صفحه‌ی ۶۶ از شهید "توکل قلاوند" بسیار مبهم می‌باشد. شایسته است از عکس‌های زیبا و گویا استفاده شود.

ب) نقد شکلی و صوری

۱. عنوان کتاب در روی جلد به صورت "دزفول شوش اندیمشک در جنگ" آمده است، در حالی که در صفحه‌ی شناسنامه‌ی کتاب، در عطف کتاب و در سطر اول پشت جلد کتاب، به صورت "دزفول، شوش، اندیمشک در جنگ" آمده و در سطر ۲۱ پشت جلد کتاب با قلم پررنگ آمده است: "دزفول، شوش و اندیمشک در جنگ".

بدیهی است عنوان کتاب همه‌جا باید یکدست باشد و زینده نیست در سه شکل مختلف آورده شود. ۲. رسم الخط و املائی کلمات در هیچ کجای کتاب

۵,۷. عکس صفحه‌ی ۱۰۵ استراحت تعدادی از رزمندگان در سایه‌ی یک خودروی زرهی که حکایت از خستگی و بی‌حالی آن‌هاست. چه تناسبی با شادی حاصل از پیروزی اعجاب‌آور عملیات فتح‌المبین دارد؟

۵,۸. در عنوان نقشه‌ی صفحه‌ی ۷۲ از عبارت "استعداد قوای ایران" به کار رفته و در تشریح آن به "دو تیم گشتی - رزمی و یک گروهان" اشاره شده است. که قاعدتاً "دو گروهان نیرو" را نمی‌توان تحت عنوان "قوا" به کار برد؛ زیرا قوا در اصطلاح نظامی حداقل باید "سه سپاه" داشته باشد.

۶. اشکال‌های موجود در عکس‌ها و سند‌های کتاب: استفاده از عکس‌ها و اسناد متعدد سبب زیبایی و جذابیت کتاب شده است، اما اشکال‌هایی در آن‌ها وجود دارد که توضیح داده می‌شوند.

۶,۱. در صفحه‌ی ۳۸ که مربوط به آغاز هجوم ارتش عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ می‌باشد، از عکسی استفاده شده که در تیتراژ آن آمده است: "فکه - مواضع مدافعان". همان‌گونه که مشخص است اصلاً ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در فکه چنین موضعی

نداشته و این تعداد نیرو نیز در آن روز در آن‌جا حضور نداشته‌اند. همچنین هنوز کسی در جبهه‌ها از جفیه استفاده نمی‌کرد، در حالی که در این عکس، افراد از جفیه استفاده کرده‌اند. اگر قرار است از عکس استفاده شود، بهتر است عکس‌هایی درج شوند که بیان‌گر غربت و ضعف نیروهای خودی و واقعیت صحنه‌های نبرد در آن روز باشند نه این‌که تعداد بسیاری نیروی آماده و قیام را فقط در یکی از مواضع فکه، در انتظار دشمن به تصویر بکشند.

کاستی‌های موجود در متن: با همه‌ی سعی و تلاش فراوانی که انجام گرفت تا کتاب کم‌ترین ایرادها را داشته باشد، اما باز هم نقایصی در آن به چشم می‌خورد

۱۰. در صفحه‌ی ۱۱۴، بند ۹ عنوان کتاب "گامهای اشغالگر" به صورت «گام‌های اشغالگر» آمده است، در حالی که عنوان کتاب، نباید ویرایش شود و به همان ترتیبی که روی جلد کتاب چاپ شده، باید آورده شود.

ارجاعات:

۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ در ایران و عراق، محسن رشید، تهران، زمستان ۱۳۷۹.
۲. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس راهنما - ۱، خوزستان در جنگ، ابوالقاسم حبیبی، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
۳. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس راهنما - ۲، خرمشهر در جنگ، ابوالقاسم حبیبی، تهران، ۱۳۸۰.
۴. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس راهنما - ۳، ایلام در جنگ، امیر رزاق‌زاده، تهران، ۱۳۸۰.
۵. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس راهنما - ۴، دشت آزادگان در جنگ، ابوالقاسم حبیبی، تهران، ۱۳۸۱.
۶. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس راهنما - ۵، کارنامه‌ی نبردهای زمینی، حسن درزی، تهران، ۱۳۸۱.
۷. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس راهنما - ۶، آبادان در جنگ، ابوالقاسم حبیبی، تهران، ۱۳۸۲.
۸. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس راهنما - ۷، کرمانشاه در جنگ، حسن درزی، تهران، ۱۳۸۴.
۹. رضوانی، علی‌اصغر، نقشه‌خوانی و آشنایی با نقشه‌ها، تهران: میراث کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۱۰. یمانی، مجتبی، مبانی نقشه‌خوانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۸.

یکدست نیست و هر بار کلمه‌ها به یک صورت تایپ شده‌اند. از آن‌جا که در سطر سطر کتاب این اشکال وجود دارد، از ذکر صفحه و سطر آن خودداری و تعدادی از کلمات را برای نمونه ذکر می‌کنم:

«بخش‌های و بخش‌های»، «سازماندهی و سازمان‌دهی»، «۴ کیلومتری و ۴ کیلومتری»، «هزار تومان و هزار تومان»، «هفت تپه و هفت تپه»، «مسجد سلیمان و مسجد سلیمان»، «عراقی‌ها و عراقی‌ها»، «چم‌سری و چم‌سری»، «عین‌خوش و عین‌خوش» و ...

۳. در صفحه‌ی شناسنامه‌ی کتاب، سطر ۵، جدول بالا، سال نشر "۱۳۸۴" و در سطر ۸، جدول پایین، "۱۳۸۵" آمده است که قاعدتاً یکی از آن‌ها می‌تواند صحیح باشد.

۴. در شناسنامه‌ی کتاب نام طراح جلد، تایپیست، طراح نقشه‌ها و ... برده نشده که شایسته است نام آن‌ها نیز قید شوند.

۵. در شناسنامه‌ی کتاب، برای دو مرکز فروش مرکز مطالعات در دو مکان متفاوت، یک شماره تلفن آمده است که به احتمال زیاد نمی‌تواند صحیح باشد.

۶. در شناسنامه‌ی کتاب، جدول بالا، قیمت کتاب به "ریال" و در جدول پایین به "تومان" آمده است که قاعدتاً در هر دو جا باید به "یک شکل" بیایند.

۷. در صفحه‌ی ۵۹ توضیح عکس سرکار خانم زهرا چرم‌بریان از عنوان "شهید" استفاده شده است، در حالی که در ادبیات فارسی چنین عنوانی نداریم و برای مذکر و مؤنث از عنوان "شهید" استفاده می‌شود.

۸. در صفحه‌ی ۱۱۴، مشخصات اکثر منابع ذکر شده کامل نیستند. حداقل باید تاریخ انتشار کتاب، نام ناشر، محل نشر و ... آورده شوند.

۹. در منابع صفحه‌ی ۱۱۴ ابتدا باید نام خانوادگی و سپس نام نویسنده ذکر شود؛ همچنین اسامی افراد باید به ترتیب حروف الفبا باشد که این روال معمولی و ساده، در کتاب رعایت نشده است.